

یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبي علی دینک

شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۳۵۱، حدیث ۴۹

لزوم حفظ وحدت و آرامش در هنگامه جنگ

در همه شرایط زندگی بویژه در بحران‌هایی همانند جنگ، انسان نیازمند پناهگاه ایمن و پناه‌دهنده قدرتمندی است که با توکل بر او بتواند بر وسوسه‌های درونی و آثار بیرونی پدیده‌های اطرافش فائق آید و بدون ترس و واهمه مسیر بندگی خدا را به سلامت طی کند. زوج‌سوره اخلاص و مسد که درست پس از مُعَوِّذَتَین

(زوج‌سوره ناس و فلق) قرار دارد نشان می‌دهد بیشترین وسوسه‌هایی که انسان و جوامع انسانی را آزار می‌دهد از ناحیه کسانی مطرح می‌شود که در مقابل خدا و حق و حقیقت قرار گرفته‌اند و با تکیه بر زرق و برق زندگی و موقعیت پوشالیشان مردم را می‌ترسانند. آنان می‌خواهند با دمیدن پی در پی در گوش مردم، قلب و صدر آنان را تسخیر کنند و مردم را برده و بنده و سرسپرده خود کنند و همه ما یملک و ما کسب آنها را به یغما ببرند و همواره آنان را نیازمند و محتاج خویش کنند. از این رو،

عوامل اضطراب و تشویش است. اما انسان مؤمن به قرآن، هیچ ترسی از مرگ ندارد، بلکه مشتاق «لقاء الله» و ادامه زندگی در جوار پیامبران و امامان و صالحان در عالم بسیار بزرگ آخرت است؛ بنابراین، بجای افسردگی و پریشانی، به ایمان و اعمال صالح خویش، بیش از پیش میافزاید، زیرا میدانند خداوند کسانی را لایق لقاء و دیدار خویش می‌شناسد که این دو ویژگی را داشته باشند: «فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه احداً» (کهف، ۱۱۰).

گاهنامه فرهنگی هنری

صدای سخن دوست

(روابط عمومی کانون زبان قرآن)

در بیان قرآن، اجل (مدت عمر) هر انسانی مشخص و معین است: «هو الذي خلقكم من طين، ثم قضی اجلاً، و اجل مسمى عنده» (انعام، ۲). از این رو، با خلقت هر انسانی خداوند فرشتگانی را محافظ انسان قرار می‌دهد تا از او تا زمان رسیدن اجلش محافظت کند که زودتر از موعد مقرر از دنیا نرود: «ان كل نفس لَمَّا عليها حافظ» (طارق، ۴)؛ «وهو القاهر فوق عباده؛ ويرسل عليكم حفظةً، حتى اذا جاء احدكم الموت توفته رسلنا وهم لا يفرطون» (انعام، ۶۱).

بنابراین، تا اجل فرد (زمان رحلت او از دنیا) فرانسرد از دنیا نخواهد رفت، گرچه در عمق میدان نبرد باشد. اجل انسان که برسد از دنیا می‌رود و فرقی نمی‌کند انسان در صحنه جنگ باشد، یا در پناهگاهی محکم، یا در منزل خویش، یا به شهر و کشوری دیگر فرار کرده باشد: «اینما تكونوا یدرکم الموت و لو کنتم فی بروج مشیة» (نساء، ۷۸).

تبیین عملی آیات فوق در خطبه ۶۰ (یا ۶۲) نهج‌البلاغه گزارش شده است: زمانی حضرت علی (ع) را از ترور ترساندند، ایشان فرمودند: «وَ اِنَّ عَلِيَّ مِنَ اللّٰهِ جُنَّةٌ حَصِيْنَةٌ فَاِذَا جَاءَ يَوْمِي اَنْفَرَجَتْ عَنِّي وَ اَسْلَمْتَنِي فَحِيْنِيْذٍ لَا يَطِيْشُ السَّهْمُ وَ لَا يَبْرَأُ الْكَلْمُ؛ برای من از جانب خدا سپر محکمی است، چون آخرین روز حیاتم در رسد آن سپر از پیش رویم کنار رود و مرا به دست مرگ سپارد. در آن زمان نه تیر به خطا رود، و نه زخم بهبود یابد.

و به فرموده مولا علی (ع): «كَفَى بِالْاَجَلِ حِزْزاً اِنَّهُ لَيْسَ اَحَدٌ مِنَ النَّاسِ اِلَّا وَ مَعَهُ حَفْظَةٌ مِنَ اللّٰهِ يَحْفَظُوْنَهُ اَنْ لَا يَتَرَدَّى فِي بُئْرٍ وَ لَا يَقَعَ عَلَيْهِ حَايْطٌ وَ لَا يُصِيْبُهُ سَبْعٌ فَاِذَا جَاءَ اَجَلُهُ خَلُوْا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اَجَلِهِ»؛ اجل (موعد مقرر رحلت از دنیا)، خود بهترین دژ و حِرز است؛ زیرا نگهبانانی از جانب خداوند هر انسانی را همراهی می‌کنند تا در چاه نیفتد یا دیواری بر سرش نریزد یا دزنده‌های آسیبش نرساند و چون اجل فرا رسد، او را

رها سازند [تا به عالم آخرت رحلت کند] (تحف العقول، ص ۲۲۴).

قصه قومی که از ترس مرگ فرار کردند

قصه کوتاهی در آیه ۲۴۳ سوره بقره آمده که با آیه پس از آن بسیار قابل تأمل و عبرت آموز است: «الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله: موتوا ثم احياهم، ان الله لذو فضل على الناس و لكن اكثر الناس لا يشكرون». «و قاتلوا في سبيل الله و اعلموا ان الله سميع عليم» (بقره، ۲۴۴). هزاران تن از مردمان سرزمینی به سبب ترس از مرگ از شهر و دیار خویش خارج شدند تا نمیرند. اینان همین که در بیرون از دیار خویش مستقر شدند و به زعم باطل خویش گمان بردند که از مرگ گریخته اند، خداوند همه آنان را میراند و سپس زنده گردانید تا نشان دهد که همه امور عالم از جمله مرگ و زندگی به دست باکفایت و حکیمانه اوست. و فرار از مرگ یک رفتار شرک آلود و مشرکانه است. البته این مطلب هرگز به معنای احتیاط نکردن و پیشگیری نکردن نیست. اتفاقاً قرآن توصیه های مهمی برای حفظ جان رزمندگان در صحنه نبرد دارد تا دشمن از غفلت مسلمانان سوء استفاده نکند و شبیخون نزند: «و لیاخذوا حذرهم و أسلحتهم و الذین کفروا لو تغفلون عن أسلحتکم و أمتعتکم فیمیلون علیکم میلهً واحدهً» (نساء، ۱۰۲).

وحدت و انسجام

وحدت و انسجام رمز پایداری و پیروزی در همه صحنه های اجتماعی بویژه به هنگامه جنگ است. همبستگی اجتماعی سبب نشاط مردم و رزمندگان در

خط مقدم و تضعیف روحیه دشمن میشود. بنابراین، همه باید با تبعیت از فرماندهی کل قوا از هر گونه سخن و رفتاری که موجب گسیختگی و شقاق و چنددستگی در جامعه اسلامی می شود بپرهیزند تا رزمندگان و اولیای امور بتوانند شرایط سخت جنگ را به خوبی مدیریت کنند: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و أولی الامر منکم» (نساء، ۵۹). در هنگام جنگ نباید به دنبال مقصّر بگردیم که چه کسانی مسبب آن شدند، این گونه تحلیلها پس از پیروزی و فروکش کردن شعله های جنگ قابل بررسی است.

زیرا در غیر این صورت، کافران و منافقان و اراذل و اوباش سررشته امور جامعه را به دست می گیرند و مردم و جامعه را به کفر و شرک، فسق و نفاق، و پرتگاه آتش و سقوط می کشانند و امنیت را از بین می برند و ترس و وحشت را فراگیر می کنند.

پس از رعایت وحدت ملی، بایسته است وحدت را به یکپارچگی جوامع اسلامی و «أمت واحده» ارتقا دهیم. بنابراین شعارها و آرمان هایمان برای همبستگی همه مسلمانان جهان باشد. هنوز برخی در توهمات و تعصبات کور مذهبی گرفتارند و ضرورت همدلی صمیمانه و مشارکت همه مسلمانان جهان برای غلبه بر جبهه کفر و شرک را درک نمی کنند؛ و صد حیف که نمیدانند شعارها و رفتارهای تفرقه گرایانه و انحصارطلبانه، انسان را پیرو هر دین و مذهبی که باشد متکبر و مغرور و مشرک می کند و از جرگه بندگان مؤمن خدا خارج می نماید و او را در ردیف مشرکان و مجرمان و کافران که به عذاب الیم خدا

گرفتار خواهند شد قرار می دهد: «یا ایها الذین آمنوا: اتقوا الله حق تقاته ولا تموتنّ الا و انتم مسلمون . و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا ... ولا تكونوا كالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات؛ و أولئک لهم عذاب عظیم» (آل عمران، ۱۰۲-۱۰۵). «ان الذین فرّقوا دینهم و كانوا شیعیاً لست منهم فی شیء انما امرهم الی الله ثم ینبئهم بما كانوا یفعلون» (انعام، ۱۵۹).

دریافت صلوات و هدایت خاص خدا در مصیبت ها

خداوند حکیم با علم و حکمت همه جانبه خویش همه انسانها را با چالش های متنوع و متعددی از جمله از بین رفتن امنیت، گرسنگی، کاستی در اموال و جانها، و محصولات زراعی و باغی مبتلا می کند و می آید تا بندگان صبور و متوسل به خدا در این گونه مصیبت ها، صلوات و رحمت و هدایت الهی را بیش از پیش دریابند: «ولنبلوکم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصّابرين . الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انّا لله و انّا الیه راجعون . اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئک هم المهتدون» (بقره، ۱۵۵-۱۵۷). نیز نک: یونس، ۱۰۶-۱۰۷؛ انعام، ۱۷-۱۸؛ بنابراین، در ابتلاها که فقط محدود به صحنه جنگ نیست، انسان باید بیش از پیش توجه اش به خداوند بزرگ و ارتباط و توسل و اعتماد و توکل به او جلب شود، نه اینکه صورت ظاهری اتفاقات و سختی ها او را به خود مشغول کند و دچار حسرت و یأس و نومیدی گردد و بجای تقویت و تثبیت ایمان، به انواع شرکها روی آورد.

زیرا شرک عامل همه بدبختی ها و بدآوری های انسان است، که اگر انسان از آنها توبه نکند موجبات سقوط و هلاکت او را برای همیشه فراهم خواهند آورد: «و من یشرك بالله فکانما خرّ من السماء فتخطفه الطیر أو تهوی به الریح فی مکان سحیق» (حج، ۳۱).

احتکار مواد غذایی، القای کمبود و ترویج شایعه قحطی، بالابردن قیمت اجناس، تعطیلی کار و کوشش و درس و مطالعه، حل نکردن مشکل نیازمندان به بهانه جنگ و ... همه و همه سخنان و رفتارهای شرک آمیزی است که خداوند سخت از آن بیزار است. چون با وقوع جنگ خللی در رزاقیت خدا ایجاد نمی شود که گمان کنیم چون جنگ شده، العیاذ بالله خدا نیز تحت تأثیر جنگ و موقعیت دشوار آن دیگر نمی تواند رزق خودش را به ما برساند، مهم آن است که با شیوه های درست آن را بجوییم. خدای رزاق ذوالقوة المتین در همه شرایط رزاق و رازق است، چه جنگ باشد و چه نباشد: «و ذکر فإن الذکرى تنفع المؤمنین ... ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین» (ذاریات، ۵۸ و ۵۵).

محسن رجبی قدسی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

سخن تازه

هر زمان یادت کنم زی خویشتن خواهم شدن
غافل از یادت شوم بی خویشتن خواهم شدن
یاد تو آرام جان آب حیات جاودان
چون فراموشت کنم بی خویشتن خواهم شدن